

نشست دوم از نشست‌های فرهنگی آشنایی با سرزمین مادری

مَلَّه‌ی نَلَوَنَدان

آشنایی با محله نعلبندان بزرگ
(نعلبندان، میخچه‌گران، پاسرو، شیرکش، باغشاه، آلوچه‌باغ)



با حضور پُرشمار فرهنگ‌دوستان سرزمین تاریخی استرآباد، دومین نشست از سلسله نشست‌های فرهنگی آشنایی با سرزمین مادری با موضوع محله نعلبندان، شامگاه دوشنبه بیست‌ودوم خردادماه ۱۴۰۲ در تالار اندیشه مؤسسه فرهنگی میرداماد برگزار شد.

در ابتدای این نشست گزارشی تصویری با عنوان «محله ما» با محوریت محله تاریخی نعلبندان پخش شد.

در ادامه احمد خواجه نژاد، مدیرمؤسسه فرهنگی میرداماد توضیح مختصری درباره برگزاری سلسله نشست‌های سرزمین مادری ارائه داده و گفت: یکی از مشکلاتی که در دهه‌های اخیر داریم این است که بسیاری از مقولاتی را که واقعاً برای ما ضروری است، متأسفانه دولتی و حکومتی شدند. وی افزود یکی از این مقولات حوزه فرهنگ است. متأسفانه وقتی حوزه فرهنگ ما بی‌اندازه دولتی شد، مردم از داشته‌های فرهنگی فاصله گرفتند، که این موضوع در درازمدت آسیبی جدی به ما خواهد زد؛ چنان‌که

اکنون نیز شاهد آن هستیم که نوجوانان و جوانان ما خیلی با هویت خودشان فاصله داشته و نسبت به گذشته خودشان بی‌اطلاع هستند. این شرایط ایجاب می‌کند یکایک ما برای آن چیزی که به آن تعلق داشتیم و جزو هویت تاریخی ما و شخصیت ماست، توجه ویژه‌ای داشته باشیم. بر همین اساس، مؤسسه فرهنگی میرداماد یکی از اهداف خود را احیا تاریخ و فرهنگ سرزمین تاریخی استرآباد، تعیین نموده است. با مشارکت دوستانی که دغدغه کار فرهنگی دارند و همیشه همراه ما هستند، مشورت کردیم و یک سری نشست‌هایی برنامه‌ریزی شد و قرار شد در فاصله زمانی دو ماه یک بار در خدمت شما باشیم و در هر نشستی، پیرامون یکی از موضوعات مربوط به استان گلستان، اطلاعات مختصری ارائه دهیم. عنوان کلی که برای این نشست‌ها انتخاب شده، عنوان «آشنایی با سرزمین مادری» است. نشست قبلی با عنوان «گویش استرآبادی»، به عنوان گام نخست و اولین نشست بود و دومین نشست با محوریت محله نعلبندان، همین جلسه کنونی است. در این نشست ما استفاده خواهیم کرد از پژوهشگرانی که سال‌ها در حوزه تاریخ و فرهنگ و این سرزمین کار کردند و هم از بزرگوارانی از نسل‌های مختلف، که مشاهدات خود را از این شهر و این محله بازگو خواهند کرد. امیدواریم این نشست‌ها بتواند زمینه را برای پرورش یک شهروند مسؤول و حفظ و احیا و پاسداشت فرهنگ و تاریخ گذشته‌مان فراهم کند.

در ادامه این نشست، محمود اخوان مهدوی و محدثه میرحسینی با مستنداتی که تاکنون کمتر مشاهده شده، به معرفی محله تاریخی نعلبندان پرداختند.

در این بخش محمود اخوان، با تکیه بر اسناد و تصاویر تاریخی، محله نعلبندان را معرفی کرده و در ادامه محدثه میرحسینی کارشناس ارشد مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، به معرفی جایگاه محله نعلبندان در شهر استرآباد و گرگان کنونی و پیشینه ساختار کالبدی- تاریخی آن پرداخت.

میرحسینی در مقدمه گفت: برای بررسی ساختار تاریخی یک شهر، به منابع مطالعاتی مختلفی نیاز داریم، که این منابع مطالعاتی شامل منابع مکتوب مثل کتاب‌های تاریخ عمومی و محلی، سفرنامه‌ها، اسناد تاریخی، یافته‌های باستان‌شناسی، تاریخ شفاهی و از همه مهم‌تر آثار معماری و خود عناصر شهری هستند که بیشترین اطلاعات را به ما می‌دهند.

میرحسینی صحبت خود را با نشان دادن تصویر نقشه‌ای از دوره قاجار شروع کرد. به گفته وی، این نقشه در سال ۱۸۵۸ میلادی توسط سه روس به نام‌های ژارینف، پتروف و فیدروف، که به منظور نظامی به شهر استرآباد آمده بودند، تهیه شده است. در سمت چپ این نقشه (غرب شهر) تپه قلعه‌خندان قرار دارد. چهار دروازه شهر که دروازه بسطام در جنوب شرقی، دروازه چهل دختران در جنوب، دروازه مازندران در غرب و دروازه فوجرد در شمال استرآباد واقع بود. در سمت راست این نقشه (شرق شهر) نیز قلعه محمدحسن‌خان قاجار که در دوره معاصر به قلعه‌کهنه معروف بوده است، دیده می‌شود. علاوه بر این، بناهایی چون مسجد جامع شهر، کنسولگری روسیه و توپخانه شهر استرآباد در این نقشه نمایش داده شده است.



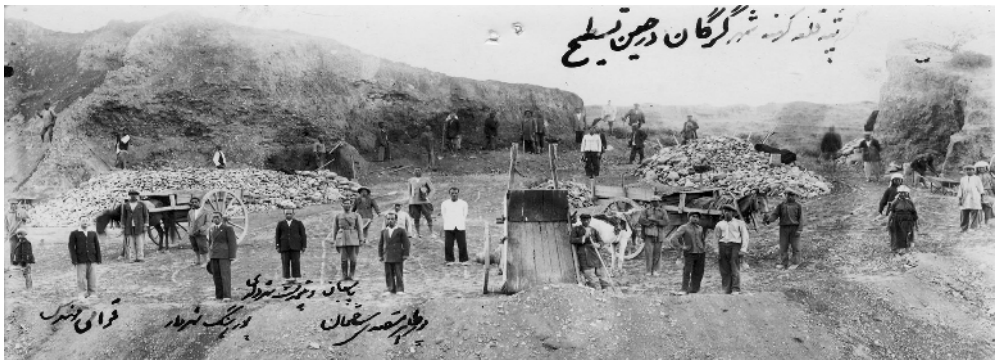
نقشه هیأت علمی خانیکوف از شهر استرآباد - ۱۲۳۷ش

پس از آن، برای توصیف بهتر برج و بارو و دروازه‌های شهر استرآباد، عکس دیگری نمایش داده شد، که از روی تپه قلعه خندان از شهر استرآباد گرفته شده در آن باروی شهر استرآباد برج‌های آن و دروازه مازندران دیده می‌شود.



دورنمای شهر استرآباد و دروازه مازندران، از روی تپه قلعه خندان - ۱۲۶۸ش

سپس برای مشخص نمودن محدوده قاجاری شهر استرآباد، یا همان بافت تاریخی گرگان امروزی، نخستین عکس هوایی موجود از شهر گرگان که در سال ۱۳۳۶ش تهیه شده، نمایش داده شد. در این عکس محدوده قاجاری شهر گرگان و توسعه شهر در جهات جنوب و شرق مشخص است. پس از آن دو عکس از بقایای برج و بارو و خندق شرقی شهر و نیز تپه قلعه کهنه نشان داده شد. در این دو تصویر گروهی مشغول تسطیح برج و بارو و تپه و پر کردن خندق بودند. میرحسینی در مورد تپه قلعه کهنه گفت: این تپه درواقع بقایای قلعه محمدحسن خان قاجار بوده، که در زمان حمله نادرشاه افشار به استرآباد، تخریب شده است.



تسطیح تپه قلعه کهنه و برج و باروی شرقی و پر کردن خندق گرگان- حدود ۱۳۱۷-۱۳۱۵ش

میرحسینی قدیمی‌ترین عکس موجود از خیابان امام خمینی کنونی را نشان داده و در مورد آن گفت: این نخستین خیابان شهر گرگان است که احداث آن در حدود سال ۱۳۱۱ش با تخریب بناهایی از محلات پاسرو، نعلبندان، دربنو، میدان و شاهزاده قاسم و گذرهای شیرکش و بادگیر شروع شده و تکمیل آن تا حدود ۱۳۱۴ش ادامه داشت. این خیابان در ابتدا خیابان گرگان و سپس خیابان پهلوی نامیده شده و پس از انقلاب ۱۳۵۷ به نام خیابان امام خمینی تغییر نام یافت.



خیابان پهلوی گرگان از سمت میدان شهرداری- حدود ۱۳۱۷ش

میرحسینی در ادامه نقشه‌ای را نشان داد که در عصر حاضر تهیه شده و شهر استرآباد در دوره قاجار را به تصویر می‌کشد. وی در مورد این نقشه گفت: این نقشه بر اساس مستندات که از بقایای حصار شهر در سمت غربی و شمالی و استخوان‌بندی اصلی شهر یعنی؛ معابر اصلی، راسته محلات، مراکز محلات، قلعه محمدحسن خان قاجار و عناصر دیگر، تهیه شده است. وی افزود: در این نقشه قرار است در رابطه با نظام محله‌بندی شهر استرآباد صحبت شود. او در ادامه محدوده تقریبی سه محله اصلی استرآباد به نام‌های: سبزه‌مشهد در شمال و شمال شرقی، میدان در غرب و نعلبندان در مرکز، شرق و جنوب شرقی را روی نقشه مذکور مشخص کرده و گفت: این محله‌ها هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر استرآباد بوده‌اند. وی افزود: این که کدام یک اول شکل گرفته‌اند و ترتیب زمانی شکل‌گیری آن‌ها کدام است، به دلیل نبودن پژوهش‌های کافی و یافته‌های باستان‌شناسی، به‌طور دقیق مشخص نیست. آن‌چه که می‌دانیم این است که این سه محله هسته‌های اولیه شکل‌گیری شهر هستند، که هر کدام منطقه‌ای را در شهر به خودشان اختصاص می‌دادند و هر کدام به زیرمحلات، گذرها و بخش‌های دیگری تقسیم می‌شدند.

میرحسینی تصویر دیگری از نواحی شرقی شهر استرآباد (محله‌های پاسرو و نعلبندان) را نمایش داده و در توضیح آن، رودخانه خاصه‌رود یا زیارت که از داخل شهر می‌گذشته، ایوان غربی و مناره مسجد جامع و درخت سروی که در محله پاسرو بوده را در این تصویر نشان داد و افزود: اسم محله پاسرو از همین درخت سرو که در تصویر می‌بینید، گرفته شده است.

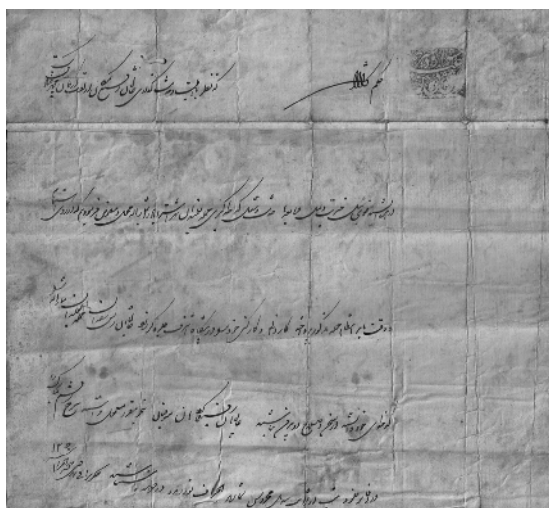


دورنمای شرقی شهر استرآباد، مسجد جامع و محله پاسرو- ۱۲۸۰ش

در ادامه محمود اخوان افزود: که این قدیمی‌ترین عکسی است که از جانب شرقی شهر استرآباد یا محدوده شرقی محله نعلبندان بزرگ و محله پاسرو داریم. در سال ۱۳۱۹ ق (۱۲۸۰ ش) این عکس توسط مصطفی قلی شامبیاتی که نایب توپخانه استرآباد بوده، گرفته شده و همان‌طور که گفته شد، این عکس از روی خرابه‌های قلعه‌کهنه گرفته شده، قلعه‌کهنه هم جزء ملحقات محله نعلبندان است که اصلش به زمان تیموری برمی‌گردد و در زمان ابوالقاسم بابر به اسم قلعه گل افشان مشهور بود. بعدها در زمان افشاریه، محمدحسن خان قاجار این قلعه را برای مقر حکومت خودش احیاء کرد و به اسم قلعه محمدحسن خان قاجار معروف شد. در زمان حمله نادرشاه به استرآباد، این قلعه خراب شده و در بین عامه مردم به قلعه‌کهنه شهرت می‌یابد. رودخانه‌ای هم که در این عکس می‌بینیم، از روستای زیارت جاری شده، از دروازه بسطام وارد شهر استرآباد می‌شد، از داخل باروی شرقی عبور می‌کرد و از شمال به خندق شهر می‌ریخت و از شهر خارج می‌شد. این رودخانه در طول تاریخ با اسامی مختلفی چون استی‌سو، خاصه‌رود، خواسته‌رود، خاسته‌رود، رودخانه زیارت، رودخانه ناهارخوران و... معرفی شده است. در دوره قاجار این رودخانه در طول مسیر خود، در هر موضعی به نامی مختلف شناخته می‌شده است؛ مثلاً در محدوده خیابان شالیکوبی کنونی به نام «آب قاجار» معروف بود، در حدفاصل فلکه کاخ و شهرداری کنونی «رودخانه خیابان» و از فلکه شهرداری به سمت دروازه فوجرد، به نام «رودخانه پاسرو» یا «نهر کنارشهر» شناخته می‌شد. براساس داده‌های متون تاریخی، این رودخانه در قرون سوم و چهارم هجری، از سمت شرقی مسجدجامع می‌گذشته و هرچه که شهر به سمت شرق توسعه یافته، مسیر آن را به سمت حاشیه شرقی شهر تغییر داده‌اند.

اخوان در ادامه چند سند مربوط به نظام مدیریتی محله نعلبندان را نشان داده و ضمن تأسف جهت عدم وجود اسناد این چنین مربوط به محلات دیگر، گفت: ممکن است محلات سبزه‌مشهد و میدان هم مانند نعلبندان اسنادی از این دست داشته‌اند و به دلایلی از بین رفته یا به دست مانرسیده و یا

محله نعلبندان به دلیل ویژگی‌هایی که داشته، چنین اسنادی در آن تولید شده است! او در ادامه به سندی اشاره داشت که مربوط به انتصاب کدخدای محله نعلبندان بود و اشاره داشت که در بعضی اسناد دیگر که مربوط به انتصاب کدخدای نعلبندان است، از این محله با عنوان «قلعه نعلبندان» یاد شده است. وی افزود در بین کدخداهای محله نعلبندان از دوران سلطنت فتحعلی شاه تا اواسط پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار



حکم انتصاب کدخدای محله نعلبندان - ۱۳۵۰ ق (۱۳۱۴ ش)

به اسامی کربلایی محمّد کدخدا، کربلایی محمدعلی کدخدا و کربلایی محمد مهدی کدخدا برمی‌خوریم که اجداد خاندان‌های «کدخدایی»، «پولادی» و «فولادی» نعلبندان هستند، که خوشبختانه امروز، یکی از بازماندگان نسل کدخداهای نعلبندان، آقای نوراله پولادی، در این جلسه حضور دارند و در بخش تاریخ شفاهی در خدمت ایشان خواهیم بود.

در ادامه‌ی بحث، میرحسینی به تصویری از نقشه استرآباد در دوره قاجار اشاره کرد که در آن، محله یا منطقه نعلبندان، از سمت شرق تا قلعه محمّد حسن خان قاجار (قلعه‌کهنه) امتداد داشته و در سمت جنوبی، دروازه بسطام را در برمی‌گیرد. طبق این نقشه، نعلبندان بزرگ شامل محلات کوچک‌تری چون: محله نعلبندان کوچک، محله میخچه‌گران، محله پاسرو، گذرهای شیرکش و باغشاه، محله حاجی‌لر، محله بلوچ و یک محله خیلی کوچک در مجاورت باروی جنوبی شهر و واقع در غرب باغ کنسولگری کنونی که بنگشی‌ها و گرمی‌ها در آن زندگی می‌کردند.

اخوان در این رابطه گفت: در اواخر دوره صفویه چند گذر جدید در شهر استرآباد شکل می‌گیرد. این گذرها در واقع محل سکونت چند گروه قومی بوده که ظاهراً به دلایل نظامی به استرآباد کوچانده شده‌اند. نام این گذرها یا محلات فرعی عبارت است از: گذرهای‌های حاجی‌لر و بلوچ خیل در نعلبندان، گذرهای قانچیان و فیوج خیل در محله میدان و گذر سیستانی محله در محله سبزه‌مشهد. دو طایفه حاجی‌لر و بلوچ برای امور نظامی به استرآباد کوچانده شده و به عنوان فوج نظامی در حاشیه شرقی محله نعلبندان بزرگ ساکن می‌شوند. حاجی‌لرها در محدوده گذر خیمه‌دوزان نعلبندان، که در شرق و شمال شرقی پاسرو قرار داشت مستقر می‌شوند. محل سکونت آن‌ها تقریباً منطبق است با محدوده هتل میامی، پاساژ شیرنگی، گاراژ مهرآیین، دادگستری، اداره مخابرات و... بلوچ‌ها نیز در جنوب شرقی دارالحکومه و شرق دروازه بسطام مستقر شده و محل سکونت آن‌ها تقریباً منطبق بوده با اداره دخانیات و بخش‌هایی از خیابان لشکر کنونی. البته دو طایفه دیگر نیز در محله نعلبندان ساکن بوده‌اند که این دو طایفه عبارتند از بنگشی‌ها و گرمی‌ها، که از این بین بنگشی‌ها شهرت بیشتری داشته و در بین عوام مردم استرآباد، به عنوان اهالی بنگلادش شناخته می‌شدند. درحالی که هردو طایفه مذکور از طوایف شیعه افغان بوده و از افغانستان به ایران کوچیده‌اند. این دو طایفه ابتدا در بخش داخلی باروی جنوبی، در محدوده آلوچه‌باغ کنونی ساکن بودند و بعدها به شیرکش و پشت‌باره و گروهی نیز به سبزه‌مشهد منتقل و ساکن شدند. از یادگارهای طایفه بنگشی در استرآباد، می‌توان به مسجد بنگشی‌ها در گذر شیرکش اشاره کرد. این مسجد بعدها به نام مسجد میرشهیدی شهرت یافته و اکنون مسجد ابوذر خوانده می‌شود.

در ادامه میرحسینی در مورد تقسیم محلات گفت: براساس متون سفرنامه‌ها و متن اسناد تاریخی مانند مبیعه‌نامه‌ها و اجاره‌نامه‌ها و وقف‌نامه‌ها هریک از سه محله اصلی نعلبندان، سبزه‌مشهد و میدان، زیرمحلاتی دارد، که زیرمحلات نعلبندان میخچه‌گران، پاسرو، شیرکش، باغشاه، خیمه‌دوزان، حاجیلر و بلوچ خیل بوده‌اند. در اسناد تاریخی هریک از این زیرمحلات گاهی با عنوان «گذر» و گاهی با عنوان «محله» ای از مضافات محله نعلبندان معرفی شده‌اند. امروزه این نظام تقسیم‌بندی محلات تنها و تنها

در برخی آئین‌های عزاداری محرم مانند دسته شب پنجم محرم (غروب روز چهارم محرم) و طوق‌بندان روز پنجم محرم نمود دارد؛ چنان‌که اهالی تکایای نعلبندان و پاسرو و میخچه‌گران به صورت یک دسته واحد عزاداری کرده و طوق‌بندان روز پنجم هم مخصوص تکایای محلات نعلبندان و پاسرو و میخچه‌گران است.

میرحسینی افزود: به دلیل واقع شدن دارالحکومه استرآباد در محله نعلبندان، این محله نسبت به سایر محلات از اهمیت ویژه‌تری برخوردار بوده و گذر باغشاه نیز به دلیل این‌که در جوار مجموعه حکومتی شهر شکل گرفته نسبت به سایر مضافات و توابع نعلبندان، از اهمیت بالاتری برخوردار بوده است. در ادامه اخوان اشاره‌ای به سیستم آبرسانی شهر داشت و گفت: یکی از نکات حیاتی همه شهرها، بحث آب است. وی افزود در محله نعلبندان دو منبع تأمین آب داشتیم؛ یکی آب رودخانه خاصه رود و دیگری آب قنات.

در نیمه اول قرن دهم هجری آب رودخانه خاصه رود توسط خواجه مظفر پتکچی وقف شرب اهالی استرآباد می‌شود و شرط می‌شود که تا قبل از رسیدن به شهر، کسی حق استفاده از آن را ندارد. قید این شرط اولاً برای جلوگیری از آلوده شدن آب و ثانیاً برای جلوگیری از کاهش حجم آب ورودی به شهر بوده است. اما فاضلاب یا سرریز آب این رودخانه در محلات شمالی شهر برای مصارف کارگاهی مانند دنگ‌کوبی، دباهی و... و برخی مصارف دیگر مانند غسلخانه قابل استفاده بوده و در بیرون برج و باروی شمالی برای کشاورزی استفاده می‌شده است. منبع دیگری که آب نعلبندان را تأمین می‌کرده، آب قنات بوده است. ما در استرآباد دو رشته‌قنات داشته‌ایم. یکی رشته‌قنات سرخواجه که تقریباً از مسیر دروازه چهل‌دختر وارد شهر می‌شده و دیگری قنات سرچشمه که یک قنات دورشته‌ای بوده، مادرچاه آن در پایین دست تپه‌های چاله‌باغ قرار داشته، از جنوب سینما مولن‌روژ به سمت آلوچه‌باغ آمده، در آلوچه‌باغ دو رشته شده، یکی به سمت سرچشمه و دیگری به سمت مسجد جامع هدایت می‌شده است. مظهر این قنات در محله نعلبندان، مقابل ورودی جنوبی مسجد جامع بوده است. در محل مظهر قنات، بخشی از این آب با لول‌های سفالی (تنبوشه یا گنگ) به حوض مسجد جامع، بخشی دیگر به مدرسه دارالشفاء و بخشی نیز به آب‌انبار فغانعلی‌خان قاجار در گذر چهارشنبه‌ای هدایت می‌شده است. در دوران قاجار دو انشعاب دیگر از مظهر قنات نعلبندان جدا می‌شود که یکی به عمارت سلیمان‌خانی در شمال مسجد جامع و دیگری به عمارت ساعدلشکر وارد می‌شده است. البته لازم به ذکر است که این عمارت سلیمان‌خانی عمارتی است غیر از کاخ سلیمان‌خانی در مجاورت برج و باروی جنوبی و غرب دروازه بسطام. ازبین معمرین گرگانی که بنده سعادت دیدار و گفت‌وگو با آن‌ها را داشته‌ام کمتر کسی مظهر قنات نعلبندان را به‌خاطر دارد. در متون و اسناد تاریخی هم کمتر به آن اشاره شده است. اما از بین معمرین حاج محمدابراهیم برادران، متولد ۱۲۸۳ش به وجود حوضی در مقابل ورودی جنوبی مسجد جامع اشاره کرده بود. در اسناد تاریخی هم وقفنامه‌ای وجود دارد که به تعمیر حوض قنات نعلبندان در مقابل درب مسجد جامع، توسط محمدناصرخان ظهیرالدوله، حاکم استرآباد، اشاره کرده است.

در ادامه میرحسینی عکسی قاجاری از مسجد جامع را نمایش داده و گفت: یکی از مهمترین عناصر شاخص معماری محله‌ی نعلبندان، مسجد جامع است که دو ایوان در شرق و غرب و دو ورودی در شمال و جنوب و چهار شبستان در فاصله بین ایوان‌ها و ورودی‌ها قرار گرفته‌اند. در ادوار مختلف تاریخی ساختار مسجد تغییر کرده و کلیت آن چه که امروزه وجود دارد، مربوط به تغییرات دوران صفوی تا قاجاریه است. قدیمی‌ترین بخش معماری آن مناره آجری مسجد است که قدمت آن به دوران سلجوقی بازمی‌گردد و عناصر و آثاری چون دروازه ورودی و منبر، متعلق به دوران تیموری و هم‌چنین کتیبه‌های سمت قبله ایوان غربی که قدمت آن‌ها به دوره قراقویونلوها می‌رسد. سپس وی سه تصویر کمتر دیده شده از مسجد جامع در سال ۱۳۱۵ش را نمایش داد که یکی تصویر ایوان غربی مسجد، یکی تصویر منبر تاریخی و دیگری تصویر دروازه چوبی ورودی جنوبی مسجد که آن زمان در محل خود نصب بوده است.



منبر و دروازه جنوبی مسجد جامع گرگان - ۱۳۱۵ش

در ادامه، میرحسینی سایر عناصر شاخص معماری و شهری نعلبندان از جمله دارالحکومه، مدرسه دارالشفاء، مدرسه رضویه (سردار)، تکیه نعلبندان، چنار نعلبندان، حمام قاضی و... را معرفی کرد. اخوان نیز با مروری بر اسناد تاریخی، به معرفی تکایا و سایر عناصر تاریخی نعلبندان، پاسرو، خیمه‌دوزان، میخچه‌گران، باغشاه و شیرکش پرداخت.

پس از آن خانم فروغ محسنی مفیدی استاد ادبیات فارسی و مجری برنامه، به معرفی برخی از چهره‌های

معاصر متولد محله نعلبندان بزرگ، مانند: پروفیسور ایرج اعتصام (معمار)، دکتر محمّدامین میرفندرسکی (معمار)، دکتر منوچهر فرهنگ (پدر اقتصاد معاصر ایران)، محمّدرضا لطفی (موسیقی‌دان)، حجت‌اله شکبیا (نقاش)، مریم زندی (عکاس)، فروزان زیادلو (صنعت، اقتصاد، فرهنگ، ورزش)، زیداله طلوعی (مدرس موسیقی)، فریال بهزاد (تئاتر و سینما)، هایدی صفی‌یاری (تدوینگر) پرداخته و در پایان به سکونت مشاهیری چون نادر ابراهیمی و بیژن بیرنگ در گذر آلوچه‌باغ از توابع محله نعلبندان اشاره کرد. در ادامه این نشست، حسین ضمیری فعال فرهنگی، اجتماعی، ادبی، شاعر و هم‌چنین شاعر فولکلور، شعری را به گویش گرگانی و با عنوان «بَشِ نلوندان» اجرا کرد:

مَن خودم شیرگشی‌آم، بِچّه‌ی نافِ گرگان / اُسْتقان چو شده خاطراتم از نلوندان
 مِیَن مَچِدِ جامع، پا چنارایی که نیس / چَکَلِ غصه می‌شه باز از چشاما اوزان
 خاربارا که گُبارِ شده روی گاری / میوه‌ها کالِ چِچِق، خوب و قِشنگ و داغان
 اَو ورشو مِدادَن سَموَرَا رِ خِیلی حُب / دَم به دَم بِش مِزَدَن به دُور قوری، قندان
 توی تَکیه، سَرِ صُب، شِروا شِکر، چای و نبات / باز پَندیر و مُربا، گُمبِه، بوی خوشِ نان
 گُلخَناشانِه اَلو مِدادَنِش نصبِ شویی / پا خزینه، دُلْمَل که اَو مِشَد اَوْتَران
 خیزه‌ی شُو رِ که وَر مِداشَتَنِش، شُوپاگَر / فِیخَرَق هِی مِزَدَش که اَفْتُو اَمَد، اَرِه جان
 کاش قِرتاس بَگَنه، پَفارِه حوضِ مَلّه ما / کاشکی که وا بشه وا، سَرداوئِه‌ی مِخچِه‌گِران
 شیرِ رِ گُشتن و داد زَدَن میان پا سَرو / لینگچی کرده فُلانی، همه خونِ خون‌پَلغان
 باغِشاه کاشکی دُرُشکه‌هاش بیان و ردِ بِشَن / تِپچه قَد کاش پِدِه لَبَلَبو زیرِ هر نودان
 نعلِ اَسبا و خَرّا، صدایِ مَخ میباد و سِخ / مَن خودم شیرگشی‌آم، بِچّه‌ی نافِ گرگان

در ادامه برنامه، محمود اخوان مجری‌کارشناس برنامه با نمایندگان دو نسل از ساکنان محله نعلبندان، به نام‌های نوراله فولادی و مهدی سیف‌حسینی، در مورد تاریخ شفاهی محله نعلبندان گفت‌وگو کردند. در پایان نشست نیز پرسش و پاسخی درخصوص تاریخ محله نعلبندان بین کارشناس برنامه و حضار صورت گرفت.

